

نظری بر وابط فرهنگی ایران باستان با شرق و غرب در (دوره هخامنشی)

روابط فرهنگی شرق و غرب با تشکیل شاهنشاهی هخامنشی آغاز می‌گردد ، و با گسترش و بسط این امپراتوری توسعه می‌یابد . در این دوره است که برای اولین بار بین آسیا و اروپا که در رأس این دیگری یونان قرار داشته ، اصطکاک حاصل می‌شود و ایران ، با دست یافتن بدریای مدیترانه ، و قدم نهادن در خاک یونان ، تفوق و برتری شرق را بر غرب محرز می‌سازد .

یونان این زمان ، در عصر طلایی تمدن و فرهنگ خویش زندگی میکند ، که ایران از این فرهنگ بهره‌ها می‌گیرد و سبب نشر آن در دنیا می‌شود .

شاهنشاهی هخامنشی با در دست داشتن ممالکی چون مصر ، بابل ، لیدی ماوراء النهر و قسمتی از هند ، سراسر دنیای تمدن شرق را در این روابط سهیم می‌سازد ، و شوش پایتخت ایران ، مرکز و قلب جهان می‌گردد . در حالیکه این شهر خود تاریخی چهار هزار ساله را پشت سر گذاشته ، و معجونی از فرهنگهای دنیای کهن ، چون سومر ، اکد ، بابل

آشور ، مصر ، و هند را در خود جای داده است . در این دوره دانشمندان علما و متفکران چهار گوشه جهان بدان روی میآوردند ، وافکار و اندیشه‌های حال و گذشته در این مرکز بایکدیگر برخورد میکرد ، و از آن میان تحولات جدید علمی و فرهنگی بظهور میرسید که سراسر دنیا را از پرتو خود روشنی و گرمی میبخشید .

شاهنشاهان اولین هخامنشی سعی بسیار داشتند که ممالک و ایالات تشکیل دهنده - امپراتوری در آداب ، و سنن ، و مذاهب ، زبانها ، و خلاصه فرهنگ و تمدن خویش باقی بمانند تا با راحتی خیال و بدون خشم و کینه از حکومت تحت تابعیت آن قرار گیرند . از اینرو بسیاری از ملل شرق و غرب در ساختن فرهنگ و تمدن هخامنشی سهیم و شریک بودند . در ویرانه‌های کاخ شوش ، که ساخته داریوش است ، کتیبه‌ای بدست آمده که در این باره بسیار پر معناست ، و ما قسمتهائی از آنرا نقل میکنیم ، پس از مقدمه چنین آمده است : (. . . حفر زمین و انباشتن محل آن باریک درشت ، و قالبگیری آجر ، کار بابلیان بود ، که آنرا انجام دادند . چوب سدر را از کوه موسوم به جبل لبنان آورده‌اند . قوم آشور آنرا تا بابل آورده‌اند) و از بابل تا شوش ، کاریان و ایونیان آنرا حمل کردند - چوب میش مکن از گنداره ، و کرمان حمل شد . طلائی که در اینجا بکار رفته از سارد و بلخ آورده شده . سنگ لاجورد و عقیق را که در اینجا استعمال شده از خوارزم آورده‌اند . نقره و مس که در اینجا بکار برده‌اند ، از مصر آورده شده ، تزییناتی که دیوارها را مزین داشته‌اند ، از یونیه آورده شده . عاجی که بکار رفته از حبشه ، هند ، و رنج ، حمل شده . ستونهای سنگی که اینجا کار گذاشته شده ، از شهری بنام ابیردوش در عیلام آورده شده . هنرمندانی که سنگ را حجاری کرده‌اند ، ایونیان و ساردیان بودند . زر گرانی که طلا را کار کرده‌اند مادی و مصری بودند . کسانی که ترصیع کرده‌اند ، از مردم سارد و مصریان بودند . آنان که آجرهای مینائی (پاتساوریر) ساخته‌اند ، بابلی بودند . مردانی که دیوارها را تزیین نموده‌اند ، مادی و مصری بودند . اینجا در شوش ، دستور ساختن ساختمانهای باشکوه داده شد ، و آن بطرزی عالی تحقق یافت . (۱) ، و آنچه که متعلق بخود هخامنشیان است هنر ایشان در تلفیق ، و ایجاد هماهنگی در سبکها ، و نهادن اصالت قومی و ملی در آن میباشد . گیرشمن میگوید : « هر چه که از خارج آمده دوباره گذاخته ، مبدل ، بهم پیوسته و متعادل گردید ، و تشکیل هنری جدید داده است » (۲) که دیگر شباهتی به هیچ يك از سبکهای ممالک دیگر ندارد ، و خاص هخامنشیان است .

در این دوره ، در انواع علوم ، چون نجوم ، هندسه ، ریاضیات ، فلسفه ، حکمت ، و طب و غیره تحولی شگرف پدید آمد . دانشمندان و متفکرین یونانی ، هندی ، بابلی ، و

۱ - نقل از کتاب ایران از آغاز تا اسلام ص ۱۸۴ ، ۱۸۵ ، ۲ - ص ۱۴۶

مصری ، بر سر این چهارراه از افکار یکدیگر با خبر گشتند ، و توانستند نظریات خود را تکمیل سازند .

دموکریته (۱) عالم یونانی که دست بسفری طولانی زد ، اولین دانشمند یونانی است که از بابل ، مهد دانشهای زمان دیدن کرد وی علاوه بر بابل از مصر و اغلب ایالات شرقی کنار دریای مدیترانه و خلاصه ایالات تابع هخامنشی دیدار کرد . و شاید به هند نیز سفری کرده باشد . این سفر در تمام فرضیات و کشفیات علمی او تأثیر مستقیم داشته است . هکاته (۲) اهل میله که تاریخ نویس ، حتی قبل از هرودت میباشد ، از گردشهای خویش در امپراتوری هخامنشی ، اطلاعات گرانبھائی بدست آورده است . اولین پزشک یونانی که بایران آمد ، دموسدس (۳) بود که در جنگ داریوش با یونان باسارت این پادشاه درآمد ، و پس از مدتی اقامت در ایران بوطن خود بازگشت ، و تجربیات فراوانی با خود بارمغان برد .

پس از داریوش پزشکان متعدد دیگری باین سرزمین آمدند ، که معروفترین آنان کتزیاس (۴) پزشک و مورخ معروف میباشد ، که مدتی در دربار اردشیر اول میزیست و اطلاعات بسیار جالبی از این سرزمین در تواریخ خود گرد آورده است ، که یکی از منابع مهم ما را برای تاریخ هخامنشی تشکیل میدهد .

همچنین پزشکان مصری نیز توسط یکی از یونانیان بدربار داریوش راه یافته بودند ، کزنفون (۵) که در رأس سپاهیان یونانی بخدمت کوروش در آسیای صغیر درآمد ، پس از مرگ کوروش با گذشتن از غرب ایران ، ب سرزمین خویش بازگشت ، و با خود اطلاعات فراوانی از ایران بیونان برد ، که نتیجه اش کتاب معروف «بازگشت ده هزار نفری» میباشد که در وضع آینده دو مملکت تأثیر بسیار گذاشت ، و یونانیان را از امور داخلی ایران بخوبی آگاه گردانید . در اثر دیگر وی بنام «سیر و پدی» (۶) طرز تربیت و زندگی نجیب زادگان ایرانی و آداب و رسوم آنان شرح داده شده ، که ضمن آن کزنفون میخواستہ برای یونانیان چگونگی صفات عالی و درس خوب زیستن را تشریح کند ، و برای اینکار ایده آل خود را کوروش انتخاب کرده ، وقهرمان کتاب قراردادہ است . داریوش زمانیکہ قسمتی از هند را تا رود سند فتح کرد ، تصمیم گرفت کہ اقیانوس هند را بہ بحر احمر ، و سپس دریای مدیترانه متصل سازد ، تا باین ترتیب اقصی نقاط متصرفات شرقی بمتصرفات غربی از راه آب نیز بہ پیوندد ، کہ البتہ در این نقشہ مقاصد سیاسی ، واقتصادی وسیع و مهمی منظور گشته بود . از اینرو هیئتی دریانورد را بریاست شخصی بنام اسکیلاکس (۷) کہ یونانی بود ، مأمور

1- Democrités

2- Hécaté

3- Demosdés

4- Ctésias

5- Xénophon

6- Cyropédié

7- Secylax

ساخت تا با کشتی از سندبراه افتد ، و پس از عبور از اقیانوس هند ، و خلیج فارس ، به منتهای بیه
بحرا حمر در مصر برسد . این نقشه عملی شد ، و بدنبال آن طرح حفر ترعه‌ای در آن
نقطه کشیده شد ، تا بحرا حمر برود نیل متصل گردد . عملیات ساختمانی شروع گردید ، و
امروزه پنج سنگ بزرگ از جنس خاراى سرخ رنگ در آنجا وجود دارد ، و نوشته‌ای بسه
زبان و بخط میخی حک گردیده است ، باین قرار :

« من پارسی ام . از پارسی مصر را گرفتم . من فرمان کندن این جوی را دادم ، از
رودی بنام پیراوه (نیل) که در مصر روان است ، بدریائی که از پارسی آید . و سپس این جوی
کنده شد ، چنان که فرمان دادم ، و ناوها آیند از مصر از میان جوی ، به پارسی ، چنانکه مرا کام
بود » (۱) این اسکیلاکس که در قلمرو امپراتوری سفری طولانی کرده ، و تجربیاتی آموخته ،
دیدنیهای فراوان دیده بود ، پس از پایان سفر خود کتابی بنام « پریپلوس » نگاشت ، و آن
نخستین اثر معتبری بود که غریبها را درباره مردمان شرق آگاه میکرد ، و مأخذی برای
جغرافی نویسان ، و مورخین آینده گردید (۲) .

اصولا ما بهترین اطلاعات را درباره ایران هخامنشی ، از روی نوشته‌های مورخین و
جغرافی دانان یونانی بدست میآوریم .

در تماسهایی که همواره بین دو مملکت وجود داشت ، ایران در ادبیات یونانی این دوره
نیز تأثیر بسیار گذاشته است ، در نمایشنامه‌ها و نوشته‌های یونانی این اثر را می‌یابیم که مهمترین
نمونه آن ، نمایشنامه « ایرانیان » اثر اشیل (۳) است .

گذشته از یونان ، در هند نیز اثر تمدنی و فرهنگی ایران این زمان را مشاهده میکنیم .
رالف لینتون ، در کتاب خود بنام « سیر تمدن » میگوید : « باغلب احتمال ، در اثر تمدن ایرانی
بود ، که الگوهای تشکیلات سیاسی ، و حتی مفهوم سازمان امپراتوری در شبه جزیره هند
قدم بعرضه وجود گذاشت . »

... در انتهای تسلط ایرانیان به هند ، بجای پادشاهیهای قبیله‌ای ، در هند مرکزی
بتقلید از امپراتوری ایران کشورهای نیرومندی ، و وسیع بوجود آمد . همچنین در آثار
امپراتوری موریان (۴) واقع در شمال غربی هندوستان نفوذ هنر ، و تمدن ایرانی کاملاً
نمایان بود ، (۵) .

این تماسها از طریق بازرگانی افزون میگردد ، چه ایران خواه مستقیم ،
و خواه غیر مستقیم ، و بصورت واسطه ، روابط تجارتنی بسیار مستحکمی با این سرزمین
داشته است ،

۳ - Eschiles

۲ - امستد ص ۱۹۶

۱ - امستد : ص ۱۹۸

۴ - Maurya

۵ - نقل از کتاب تاریخ اجتماعی ایران تألیف مرتضی راوندی ص ۲۴۸

(۱) در زمان هخامنشیان دین نیز مانند سایر شئون فرهنگی حالتی خاص داشته است : باین معنی که ادیان ملل گوناگون ، وادیان ایرانی در یکدیگر تأثیر گذاشته اند . در دوران اولیه حکومت هخامنشیان ، اهورامزدا بزرگترین ، و بالاترین خدایان بوده ، ولی بغان و خدایان دیگری نیز مانند مظاهر خورشید ، آب ، زمین ، باد ، آتش و غیره وجود داشتند . لیکن از زمان اردشیر دوم خدایان درجه دوم دیگری همردیف اهورامزدا گشتند ، که عبارتند از میترا و آناهیتا . میترا اهمیت فوق العاده داشت . برای اوقربانی و نذر میکردند ، و در جنگها از وی یاری میخواستند . برای آناهیتا معابد بسیاری میساختند ، و از این ربه انواع مجسمه های فراوانی در اغلب نقاط امپراتوری یافت شده است . ساختن مجسمه آناهیتا که از زمان اردشیر معمول گردیده ، به تقلید ادیان بابلی و یونانی که خدایان خود را مجسم میکردند ، صورت گرفته است (۱) در این زمان دین مزدیسنا به کاپادوکیه ، و سایر ایالات آسیای صغیر ، و ارمنستان برده شد . اردشیر دوم برای آناهیتا معابدی در بابل ، دمشق ، باختر ، و سارد برپا ساخت . اسنادی از بابل یافت شده که در زمان وی خدایان بیگانه از جمله میترا را میپرستیده اند ، و سریانی ها نام بغ پارس را بر خود می گذاشته اند (۲) در این دوره مهر پرستی از ایران به کاپادوکیه و کلیکیه ، در آسیای صغیر رفت ، و بعدها از آن طریق بتمام اروپا منتقل گردید . همانگونه که ذکر شد تأثیر ادیان غیر ایرانی را نیز در این دوره مشاهده میکنیم آئین سه گانه پرستی را که بعدها در اغلب مذاهب مشاهده میکنیم ، در مصر نیز وجود داشته که از میان خدایان متعدد آنان از همه مهمتر خدای خورشید ، و بعد خواهرش ، و سومی پسر آندو میباشد که در کاروی شریک اند . گذشته از آن ، آتش در نزد همه ملل مقدس بوده ، و نه تنها در ایران بلکه در یونان و سپس روم نیز همه خانواده ها میبایستی در پرستشگاه خانوادگی آتشی را که پیوسته روشن بود نگاه دارند (۳)

پس از آنکه هخامنشیان بایونانیان تماس یافتند ، خدایان ایشان نیز باین سر زمین راه یافت .

یونانیان تولد دیونیزوس (۴) خدای شراب و آبهارا در شهر نسای کرمانشاه دانسته اند و بعدها برای او در این ناحیه معابدی برپا داشته اند (۵) مذهب ودای هند بادی زردشت و جوه مشترک دارند ، و زبان سانسکریت و دائی به زبان اوستایی بسیار شبیه است . کوروش برای زئوس (۶) خدای خدایان یونان قربانی میکرد ، و پس از فتح بابل بنا بر رسوم معمول

۱- ایران از آغاز تا اسلام ۲- امستد : ص ۶۳۴ ، ۶۳

۳- سایکس ص ۳۴ ۴- Dionisos

۵- ایران از آغاز تا اسلام ص ۲۷۶ ۶- Zeuo

شاهان بابلی ، و با تشریفات خاص مذهبی ایشان تاجگذاری کرد ، و برای خدای بعل (۱) قربانی داد .

مذهب یهود در این دوره وضعی خاص داشته است ، و هیچگاه یهودیان مانند این عهد در ایران آرامش خیال نداشته اند . کوروش پس از فتح بابل اسرای یهودی را که از مدتی پیش در این سرزمین میزیستند ، به فلسطین بازگردانید ، و با آنان هیئتهای ایرانی روانه ساخت ، تا در ساختمان و تجدید بنای معابد ، و ویرانه های سرزمینشان کمک کنند . باین ترتیب گذشته از عطف و انسانی ، نقشه سیاسی عظیمی را عملی ساخت ، و آن تسخیر معنوی فلسطین بود که میتواند مهمترین پایگاه و گذرگاه سپاهیان پارسی برای تصرف مصر باشد (۲) از آن تاریخ یهودیان در دستگاه هخامنشیان وارد شدند ، و بمقامات بالا رسیدند .

چنانکه مردخای یکی از بزرگان دین یهود ، از نزدیکان خشایارشا محسوب میشد ، و در تورات آمده است که : «مرد خای یهود بعد از اخشورش پادشاه ، شخص دوم بود» (۳) ، و یکی از همسران این شاه بزرگ که بسیار مورد علاقه وی بود ، زنی یهودی بنام استر ، از خویشان مردخای بود ، که هر دو در حفظ منافع یهودیان سعی فراوان داشته اند . خط و زبان نیز در این دوره سرنوشتی چون دین دارد . در ابتدا پارسی باستان که محتملاً بزمان پیش (۴) میرسید ، با خط میخی نوشته میشده ولی زمانیکه حکومت هخامنشی تبدیل به شاهنشاهی میگردد ، دیگر خط میخی ، و زبان پارسی باستان نمیتواند جوابگوی مقتضیات زمان باشد . خط و زبانی لازم است که بتواند حوائج تمام ایالات شاهنشاهی از مصر گرفته تا هند ، و از قفقاز تا خلیج فارس را بر آورده بسازد . زبان آرامی که از مدتها پیش بسیار توسعه یافته بود ، و در بین ملل خاورمیانه رواج داشت ، میتواند این احتیاج را برای احکامی که از مرکز صادر میگردد ، و در زمینه تجارت های بین الملل ، و حل و فصل دعاوی بر آورد ، از این رو در عهد هخامنشیان ، زبان آرامی بوسیله هخامنشیان به هند نیز رفت ، و در آنجا زبان خرتی (۵) که قدیمترین الفبای هندی شناخته شده میباشد ، تحت نفوذ زبان مزبور توسعه یافت (۶) .

در کتیبه های که از شاهان سلسله باقی مانده علاوه بر پارسی باستان زبانهای بابلی ، و عیلامی نیز مشاهده میشود .

۱- Báal

۲- رك . مقاله کوروش در روایات شرقی نوشته نگارنده در مجله یغما ، شماره های

شهریور ، آبان ، آذر ، دی ۱۳۴۷

۳- کتاب استر ، ۱۰

۴- Chish-Pish سرسلسله دودمان هخامنشی

۵- Kharoshti

۶- ایران از آغاز تا اسلام ص ۲۳۱

ار آنچه که گذشت میتوان چنین نتیجه گرفت که در ادوار کهن ، هیچگاه تا آن تاریخ ، شرق و غرب در روابطی چنین نزدیک بایکدیگر بسر نبرده بودند و هیچگاه فرهنگها و تمدنهای شرق و غرب تا این حد درهم نیامیخته بود . سبب ایجاد این وضع هخامنشیان بودند که با گردآوری ملل گوناگون تحت یک حکومت و ایجاد روابط نزدیک با یونان رهبری همه ملل را در راه ساختن فرهنگی جهانی بعهده گرفتند .

پایان

مآخذ

- ۱- تاریخ ایران باستان : تألیف سرپرسی سایکس ، ترجمه فخرداعی گیلانی ، چاپ تهران سال ۱۳۱۳ .
- ۲- مزدیسنا ، و تأثیر آن در ادبیات فارسی : تألیف دکتر محمد معین ، چاپ تهران سال ۱۳۴۶ .
- ۳- تاریخ ادبی ایران ، از قدیمترین روزگار آن تا زمان فردوسی : تألیف پرفسور ادوارد براون ، ترجمه علی پاشا صالح ، جلد اول . چاپ تهران سال ۱۳۳۶ .
- ۴- تاریخ شاهنشاهی هخامنشی : تألیف امستد : ترجمه دکتر محمد مقدم ، چاپ تهران سال ۱۳۴۲ .
- ۵- تاریخ ایران از آغاز تا اسلام : تألیف دمان گیرشمن ، ترجمه دکتر معین ، چاپ تهران سال ۱۳۴۴ .
- ۷- کوروش در روایات شرقی : نوشته دکتر شیرین بیانی ، سری مقالاتی مندرج در یغما ، ماههای شهریور ، آبان ، آذر ، دی ، سال ۱۳۴۷ .

رتال جامع علوم انسانی